



# تاریخ مختصر دانشگاه‌ها

جان سی مور

ترجمه هستی عارفی / رشاعلی نوروزی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



# تاریخ مختصر دانشگاه‌ها

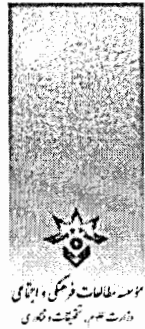
جان سی مور

ترجمه

هستی عارفی  
رضاعلی نوروزی



سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران



## تاریخ مختصر دانشگاه‌ها

جان سی مور

ترجمه: هستی عارفی و رضاعلی نوروزی  
ناشر: مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی

ویراستار: فرهاد سلیمان نژاد

طراح جلد: محمدباقر جاوید

صفحه آرا: علی قربی

چاپ اول: زمستان ۱۴۰۱

شمارگان: ۴۰۰

قیمت: ۸۸۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۲۶-۱۴۵-۰

(الف)

این اثر ترجمه کتاب زیر است:

Moore, J. C. (2018). *A brief history of universities*. Springer.

تلفن: ۲۲۵۷۰۷۷۷

نشانی: تهران، خیابان پاسداران، خیابان شهید مؤمن نژاد (گلستان یکم)، شماره ۱۲۴.

وبسایت: www.iscs.ac.ir

پست الکترونیکی: publication@iscs.ac.ir

کلیه آثار منتشره این مؤسسه در جهت ایجاد فضای آزاد علمی و نظر شخصی نویسندگان محترم آن است و لزوماً مورد تأیید مؤسسه نیست.

سرشناسه: مور، جان کلر، ۱۹۳۳-م: -1933- Moore, John C (John Clare), 1933-

عنوان و نام پدیدآور: تاریخ مختصر دانشگاه‌ها/ جان سی مور؛ ترجمه هستی عارفی، رضاعلی نوروزی؛ ویراستار فرهاد سلیمان نژاد.

مشخصات نشر: مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۴۰۱.

مشخصات ظاهری: ۱۹۶ ص:، ۵/۱۴×۲۱/۵ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۲۶-۱۴۵-۰

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: A brief history of universities, 2021

موضوع: دانشگاه‌ها و مدارس عالی -- تاریخ: Universities and colleges-- History

موضوع: آموزش عالی -- تاریخ: Education, Higher -- History

شناسه افزوده: مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی

شناسه افزوده: عارفی، هستی، ۱۳۷۹-، مترجم

شناسه افزوده: نوروزی، رضاعلی، ۱۳۵۴- (مترجم)

رده‌بندی کنگره: LB۲۳۲۲/۲

رده‌بندی دیویی: ۳۷۸/۲۳

شماره کتابشناسی ملی: ۹۱۲۶۶۹۲

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیا

## فهرست

۷	..... دیباچه مؤسسه
۱۱	..... پیشگفتار مترجمان
۱۵	..... مقدمه
۲۵	..... فصل ۱: قرون وسطی: ۱۵۰۰-۵۰۰ میلادی
۷۱	..... فصل ۲: اوایل دوره مدرن: ۱۷۸۹-۱۵۰۰
۱۰۷	..... فصل ۳: قرن نوزدهم
۱۴۷	..... فصل ۴: قرن بیستم
۱۸۷	..... مطالعه بیشتر در زمینه تاریخ دانشگاه‌ها
۱۹۱	..... نمایه



## دیباچه مؤسسه

امروزه دانشگاه و نظام آموزشی عالی در اثر چرخش‌ها و تحولات فرهنگی و اجتماعی جوامع و همچنین نوآوری‌های بی‌پایان حوزه فناوری با مفاهیم تازه‌ای در مطالعات آموزش عالی و مسائل علم و فناوری مواجه گردیده است. در این بستر سیال جهانی، مطالعات فرهنگی و اجتماعی آموزش عالی بیش از گذشته مورد توجه واقع شده و در مسیر رویکردهای آینده‌نگرانه به آموزش عالی متوازن، اهمیتی محوری پیدا کرده است. در این میان، فهم چالش‌های پیش‌روی آموزش عالی و درک دامنه مطالبه و انتظار از آن با تکیه بر فهم و شناخت بایسته عوامل مؤثر درونی و بیرونی نظام دانش و دانشگاه، و رصد روندهای فعلی و آینده تعاملات میان دانشگاه و محیط پیرامون آن، امری لازم است. در این راستا مفاهیم و آموزه‌های مطالعات فرهنگی و اجتماعی آموزش عالی، علم و فناوری می‌تواند راهبردهایی کارساز جهت ایجاد تعادل و تناسب میان کارویژه‌های دانشگاه با نظام انتظارات بیرونی اعم از دولت و جامعه و بازار و نهادهای اجتماعی ارائه کند. برای این کار و همچنین بازکاوی شرایط کنونی تولید و ترویج دانش و ترسیم عقلانی و واقع‌بینانه نسبت کارکردی دانشگاه با جامعه و آینده توسعه و تعالی کشور، باید از مطالعات و پژوهش‌های هدفمند در خصوص نقش و کارکرد دانشگاه و ظرفیت‌ها و توانمندی‌های آن، خاصه از علوم انسانی و اجتماعی و کاربریست راهبردهای خردمندانه آن در عرصه سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری بهره‌جوییم.



برای دستیابی به این اهداف، مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری از سال ۱۳۸۲ به‌عنوان نهاد مولد اندیشه و اتاق فکر وزارت عتف، با هدف بررسی و پژوهش در موضوعات و مسائل فرهنگی و اجتماعی آموزش عالی و توسعه علمی و فرهنگی کشور و ایفای نقش واسط میان دانشگاه و جامعه، کوشش نموده تا سیاست‌های کاری خود را در مسیر انجام محورهای پژوهشی و مطالعاتی زیر و تولید و نشر متون و آثار مرتبط با حوزه‌های موضوعی زیر را سامان و ارتقا دهد:

۱. پژوهش و بررسی در موضوعات فرهنگی و اجتماعی آموزش عالی و توسعه علمی و فناوری کشور؛ ۲. مطالعه در حوزه سیاست‌گذاری فرهنگی و اجتماعی آموزش عالی؛ ۳. توسعه و تقویت کانون‌های تفکر در مسائل و مطالعات فرهنگی و اجتماعی آموزش عالی و سیاست‌های توسعه علمی؛ ۴. تقویت مطالعات آینده‌نگری در مسائل اجتماعی و فرهنگی دانشگاه‌ها و شناخت نیازهای جدید آموزش عالی در این زمینه‌ها؛ ۵. بسط و گسترش مطالعات میان‌رشته‌ای و روش‌های گسترش آن.

مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی با توجه به ضرورت توجه به این اهداف و اولویت‌ها، بر آن است تا در کنار برنامه‌ها و فعالیت‌های پژوهشی و مطالعاتی و چاپ و نشر نتایج طرح‌ها و تحقیقات علمی و پژوهشی انجام‌یافته خود، تألیف و ترجمه آثار علمی را نیز متناسب و مرتبط با زمینه‌های موضوعی فوق در دستور کار قرار دهد. بدیهی است سرمایه‌گذاری علمی و معنوی مؤسسه برای توسعه و ارتقای دانش مطالعات فرهنگی و اجتماعی آموزش عالی، علم و فناوری و تأمین منابع فکری و علمی لازم برای سیاست‌گذاری فرهنگی و اجتماعی آموزش عالی توسط محققان و مدیران این حوزه، نیازمند تولید و ترویج متون و منابع متعددی جهت برداشتن گام‌های دقیق و استوار است. امید است آثار و انتشارات علمی مؤسسه بتواند به بهترین کیفیت در دسترس طیف متنوع مخاطبان از قبیل استادان

و پژوهشگران اجتماع علمی و دانشگاهی و مدیران و کارشناسان و علاقه‌مندان مطالعات فرهنگی و اجتماعی آموزش عالی، علم و فناوری قرار گیرد و در ارتقای بایسته کارویژه‌های نظام آموزش عالی و افزایش اثرمندی علم در جامعه ایران به سهم خود نقشی سازنده داشته باشد.



## پیشگفتار مترجمان

نحوه مواجهه با تاریخ می تواند متفاوت باشد. یک رویکرد در مواجهه با تاریخ رویکرد نقلی است، که در آن به گزارش رویدادها، همان گونه که اتفاق افتاده اند، پرداخته می شود و حقایق گزارش می شوند. رویکرد دیگر رویکرد تحلیلی و تفسیری است، که در آن نویسنده می کوشد تفسیر خاصی از وقایع به دست دهد و تأکید هم بر نظرات و تفسیر خود او است که از دریچه خاصی اتفاقات تاریخی را دنبال می کند. رویکرد سوم را می توان ترکیبی از دو رویکرد فوق دانست. در این رویکرد سوم، همزمان با گزارش وقایع، تفسیر آن ها نیز، به طور ضمنی یا آشکار، آورده می شود.

جان سی مور، نویسنده کتاب حاضر، در بخش مقدمه، به این سؤال که چرا تاریخ مختصری از دانشگاه ها می نویسد چنین پاسخ می دهد: «به عنوان دارویی برای درمان جهل خودم. پس از آن که از دانشگاه هوفسترا در لانگ آیلند بازنشسته شدم ... به دور از وظایف روزانه ای که بر دوش یک استاد است، نسبت به جهل خودم بیش از پیش آگاه می شدم. من چیزهایی درباره دانشگاه های قرون وسطی و مطالب کمی درباره دانشگاه های کنونی می دانستم، اما عملاً درباره آن چه که در این بین (از قرون وسطی تا زمان حال) اتفاق افتاده بود هیچ اطلاعی نداشتم.» بنابراین، توضیحات مور درصدد انجام پژوهش و تحلیل وقایع مرتبط با دانشگاه است. وی همزمان با نقل وقایع تاریخی، تحلیل و تفسیر خاص خود را نیز از آن وقایع ارائه می دهد.

نکته دیگری که می‌توان مطرح کرد این است که علاوه بر تفسیرهای ارائه شده از وقایع، نوع گزینش وقایع، یعنی بازگو کردن بعضی و نادیده گرفتن یا مسکوت گذاشتن بعضی دیگر، گویای جهت‌گیری و مواجهه خاص یک پژوهشگر در مقایسه با پژوهشگری دیگر است. آن‌چه به نظر می‌رسد این است که نویسنده در کتاب حاضر، با کمی اما و اگر، سعی کرده است روایت نسبتاً دقیقی از اتفاقاتی که در دانشگاه‌های غربی رخ داده به دست دهد و علاوه بر نقاط قوت، نقایص موجود را هم مدنظر قرار دهد و به بیان حواشی‌ای که کمتر مطرح می‌شوند نیز پردازد. همین نکته این کتاب را، در عین اختصار، به کتابی نسبتاً جامع و ارزشمند تبدیل کرده است.

مسئله ما، به‌عنوان مترجمین کتاب، این است که زمانی که با وضعیت دانشگاه‌های غربی مواجه می‌شویم، بر خود لازم می‌بینیم - دست کم در وهله نخست چنین انتظار می‌رود - که وضعیت دانشگاه ایرانی را، در این جا و اکنون، به‌عنوان پدیده‌ای که روگرفتی از دانشگاه‌های غربی بوده است، و کارکردها، اهداف و فلسفه وجودی آن را، که بر الگوی دانشگاه‌های غربی مبتنی است، بررسی کنیم. اولین سؤالی که در این جا مطرح می‌شود این است که آیا ما پدیده‌هایی را که از جاهای دیگر گرفته‌ایم، مانند دانشگاه، به‌طور جامع و مانع گرفته‌ایم یا خیر؟ یعنی، در این جا و اکنون، اگر دانشگاه‌های غرب را مبنای بررسی خود قرار دهیم، آیا دانشگاه‌های ما هم، مثل دانشگاه‌های غربی، حرفی برای گفتن و در نتیجه آن ضرورتی برای وجود دارند یا خیر؟ اگر بله، در چه زمینه‌هایی، و اگر نه، مشکلات و نقایص در کجا است؟ یک خواننده هوشیار، زمانی که کتاب را می‌خواند، باید این گونه به تحلیل نکات متن پردازد و ببیند که کارکردهای دانشگاه معاصر غربی در چه زمینه‌هایی است و کارکرد دانشگاه‌های ما چیست. باری، دانشگاه چه وظایفی دارد؟ آیا دانشگاه‌ها در کشور ما به وظایفشان عمل می‌کنند یا خیر؟

مسئله دیگری که نباید از چشم خواننده تیزبین پنهان بماند این است که مادر گذشته دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی همچون جندی شاپور، بیت‌الحکمه و نظامیه داشتیم. پس آموزش عالی، به‌معنای آموزشی فراتر از سطح ابتدایی و مقدماتی، در عقبه دیرین ما، ولو

بی آن که نام دانشگاه داشته باشد، ساری و جاری بوده است. همزمان با مطالعه کتاب، که در آن مور به طور دقیق و موشکافانه به دانشگاه غربی نگاه کرده است، ما نیز در جایگاه انسانی دانشگاهی باید موشکافانه از قرائت مطرح شده، برای دانشگاه‌های امروزمان ایده بگیریم و در عین حال در گذشته خودمان به غور و تفکر پردازیم.

در بعضی قسمت‌های کتاب، جملاتی مطرح می‌شود که درون خود بیست سال، سی سال و یا حتی بیشتر تاریخ نهفته دارد. لذا، کتاب تاریخ مختصر دانشگاه‌ها، برخلاف ظاهر جمع‌وجوری که دارد، کتابی عمیق و باکیفیت است و جای کار بسیار دارد. به همین سبب، خواهش ما از خوانندگان این است که جملات را با دقت بخوانند و به تفکر درباره نکات مطرح شده پردازند. چه بسا برای برخی جملات لازم است خواننده به پژوهش و جست‌وجو پردازد و پس از کاوش و تفکر، به نتیجه‌گیری برسد. شاید همچون مور، که پس از بازنشستگی به این نتیجه رسیده است که در عین تجربه سال‌ها پژوهشگری و تدریس در دانشگاه کم می‌داند یا حتی نمی‌داند، ما نیز به عنوان استادی که سال‌ها است به تدریس و فعالیت در دانشگاه مشغول بوده، یا به عنوان دانشجویی که در میانه راه قرار دارد، اما کارکردها و تاریخ دانشگاه را به طور دقیق نکاویده‌ایم، لازم و سزاوار است که آن‌ها را به عنوان پروژه پژوهشی پیش روی خود قرار دهیم.

امیدواریم این کتاب فتح‌بابی برای فعالیت در حوزه تاریخ، اهداف، کارکردها و به طور خاص فلسفه آموزش عالی باشد و این مسیر بعدها به بازسازی یا کیفی‌سازی حوزه آموزش عالی کشورمان بینجامد. قطعاً در این زمینه‌ها افرادی در کشورمان قلم زده‌اند که قلمشان مغتنم است. با وجود این، امید است که ما نیز بتوانیم به سهم خود گام‌های خوبی در این زمینه برداریم.

هستی عارفی<sup>۱</sup>

رضاعلی نوروزی<sup>۲</sup>

تابستان ۱۴۰۱

1. hastiarefi79@gmail.com

2. nowrozi.r@gmail.com



## مقدمه

### چکیده

در بخش مقدمه، جان سی مور دلایل خود را برای نگارش این کتاب بیان می‌کند. وی سپس این نکته را که فرهنگ‌های یونان و روم باستان سنگ بنای دانشگاه را در غرب ایجاد کردند بررسی می‌کند. نگارنده، همچنین، معیارهای تفاوت بین اشکال اولیه آموزش عالی و دانشگاه را مشخص می‌کند. قسمت نتیجه‌گیری بخش مقدمه گزارش مختصری از عبور از امپراتوری روم متأخر در طول قرون وسطی ارائه می‌دهد. کلیدواژه‌ها: یونان، روم، هنرهای لیبرال، دانشگاه

\* \* \*

چرا تاریخ مختصری از دانشگاه‌ها می‌نویسم؟ اساساً به‌عنوان دارویی برای درمان جهل خودم. پس از آن که از دانشگاه هوفسترا<sup>۱</sup> در لانگ آیلند<sup>۲</sup> بازنشسته شدم، به‌همراه همسرم به بلومینگتون<sup>۳</sup> در ایندیانا<sup>۴</sup> رفتیم. به‌دور از وظایف روزانه‌ای که بر دوش یک استاد است، از جهل خودم بیش از پیش آگاه می‌شدم. من چیزهایی درباره دانشگاه‌های قرون وسطی و نیز مطالب کمی درباره دانشگاه‌های کنونی می‌دانستم، اما عملاً درباره آن‌چه که در این بین (از قرون وسطی تا زمان حال) اتفاق افتاده بود هیچ اطلاعی نداشتم.

---

1. Hofstra University  
2. Long Island  
3. Bloomington  
4. Indiana



چندین سال به تدریس تاریخ تمدن غرب پرداخته بودم، اما دانشگاه‌ها نقش چندان زیادی در آن تاریخ ندارند. بعد از دوران آغازین دانشگاه‌ها در قرون وسطی، به نظر می‌رسید اکثر رویدادهای خوب در بیرون از دانشگاه‌ها اتفاق افتاده بودند: رنسانس، انقلاب علمی، روشنگری، انقلاب صنعتی و غیره. در یکی از کتاب‌هایی که از آن به‌عنوان منبع تدریس استفاده می‌کردم، فقط یک پاراگراف دربارهٔ دانشگاه بعد از قرون وسطی نوشته شده بود، و آن هم دربارهٔ جنبش دانشجویی دههٔ ۶۰ بود.

از یادآوری این که مدرک دکتری‌ام در رشتهٔ تاریخ را از دانشگاه جان هاپکینز، در جایگاه اولین دانشگاهی که مدل آلمانی دانشگاه به‌عنوان نهادی پژوهشی را اقتباس کرده بود، گرفتم احساس شرمساری می‌کنم. آن‌قدر مشغول مطالعاتم بودم که نتوانستم به ستایش چنین تغییر مهمی در تاریخ آموزش عالی بپردازم.

عنوانی که در ابتدا برای این کتاب در ذهن داشتم «دانشگاه غربی: تاریخی مختصر» بود، اما به این نتیجه رسیدم که بسیاری از خوانندگان بالقوه ممکن است تصور کنند که موضوع کتاب دربارهٔ دانشگاه‌های آمریکای غربی است. عنوان فعلی به‌طور مناسب‌تری گسترهٔ - و شاید ماهیت بسیار بلندپروازانهٔ - این کتاب تک‌جلدی مختصر را نشان می‌دهد.

دانشگاه‌ها به تکامل خود ادامه می‌دهند و امروزه بحث‌هایی در سطح جهانی دربارهٔ این که دانشگاه‌ها در آینده باید چگونه باشند شکل گرفته است. قطعاً داشتن تصویری از مسیری که تا کنون پیموده شده است نه فقط برای من، بلکه برای خوانندگان کتاب نیز مفید خواهد بود. اهمیت فوق‌العادهٔ دانشگاه‌ها برای جوامع متمدن مستلزم توجه دقیق و آگاهانه به روند مراقبت و نگهداری از آن‌ها است. جهان مدرن، با علاقهٔ وافر خود به نوآوری، تمایل زیادی دارد که نهادهایی را که قرن‌ها در حال ساخت و توسعه بوده‌اند کم‌ارزش جلوه دهد. درست همان‌طور که عاداتی که در طول چند دهه شکل گرفته‌اند افراد را قادر می‌سازند امورات خود را

در جهانی که در آن زندگی می‌کنند پیش ببرند، نهادها هم به جامعه این اجازه را می‌دهند که به بلوغ برسند و در یک سطح «تمدنانه»<sup>۱</sup> عمل کنند.

متفکران بزرگ جهان باستان فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها نبودند. هیچ دلیلی ندارد تصور کنیم کنفوسیوس<sup>۲</sup> (متوفی ۴۷۹ ق.م) یا بودا<sup>۳</sup> (قرن ۵ ق.م) در نهادی آموزشی، متشکل از اساتید و دانشجویانی که بایکدیگر همکاری می‌کنند تا مدرک تحصیلی دریافت کنند، حضور داشتند. سقراط<sup>۴</sup> (متوفی ۳۹۹ ق.م) و شاگردش افلاطون<sup>۵</sup> (متوفی ۳۴۷ ق.م) بی‌شک معلمانی برای آموزش‌های ابتدایی داشتند، اما بعد از آن، تکیه آن‌ها بر مطالعات خودشان و مباحثی بود که در آتن آن زمان شکل می‌گرفت. شاگرد افلاطون، یعنی ارسطو<sup>۶</sup> (متوفی ۳۲۲ ق.م)، که شاید بتوان او را بزرگ‌ترین نابغه در کل تاریخ دانست، علایق فکری‌اش را در آکادمی افلاطون، مرکزی در آتن که وقف آموزش غیررسمی و بحث دربارهٔ موضوعات مختلف شده بود، دنبال کرد. اما در آن‌جا هیچ استاد واجد صلاحیت رسمی حضور نداشت، هیچ برنامهٔ درسی پایه‌ای وجود نداشت، هیچ مدرکی به کسی داده نمی‌شد، و خبری هم از گواهینامه‌هایی که نشان دهد دارندهٔ آن صلاحیت لازم برای تدریس در نهادهای مشابه دیگر را دارد نبود. می‌توان گفت که سایر مراکز یادگیری در نقاط مختلف جهان نیز، پیش از ظهور دانشگاه اروپایی یا غربی، وضعیت مشابهی داشتند.

فعالیت متداول در زمینهٔ آموزش عالی در یونان باستان این بود که متفکران برجسته حلقه‌ای از طرفداران را، که ممکن بود خودشان در آینده طرفدارانی پیدا کنند، گرد خود جمع می‌کردند. همین‌طور که جمهوری جوان رومی از نواحی غربی مدیترانه به سمت نواحی مدیترانهٔ شرقی یونانی‌زبان گسترش پیدا می‌کرد (اتفاقی که در زمان عیسای ناصری به پایان رسیده بود) و آن‌ها را در بر می‌گرفت،

---

1. Civilized  
2. Confucius  
3. Buddha  
4. Socrates  
5. Plato  
6. Aristotle

رومی‌ها فرهنگ یونانی را جذب و اقتباس می‌کردند تا فرهنگ لاتین خودشان را بسازند. این فرهنگ رومی توانست فهرستی از اندیشمندان و هنرمندان خودش، به‌ویژه سیسرون<sup>۱</sup> و ویرژیل<sup>۲</sup>، را فراهم کند.

در امپراتوری روم، الگوی آموزش اندکی تغییر پیدا کرد، به‌جز این که گرفتن پول از شاگردان برای معلمان متداول‌تر شد (البته، اگر معلمان خود برده نبودند). همچنین، دانش یونانی طی قرن‌های بعدی به‌تدریج کمرنگ شد. این اتفاق بعد از آن که امپراتوری [روم] به‌طور رسمی در قرن چهارم میلادی مسیحی شد رخ داد. آگوستین<sup>۳</sup> اهل هیپو<sup>۴</sup> در شمال آفریقا (آگوستین قدیس، متوفی ۴۳۰م) در زمینه متون کلاسیک لاتین، به‌خصوص متون سیسرون و ویرژیل، به حد کافی تبحر یافت و بخشی از حیاتش را به‌عنوان معلم خطابه در کارتاژ، روم و میلان گذراند. والدین ثروتمند ممکن بود او و دیگر معلمان را برای آموزش فرزندان خود استخدام کنند، یا این که می‌توانستند به‌عنوان کارآفرینان شخصی فعالیت کنند که مدارس خودشان را برای افرادی که مایل بودند در ازای آن پول بپردازند تأسیس کنند.

آشنایی با متون کلاسیک لاتین یکی از شاخصه‌های طبقات بالاتر امپراتوری روم - و کسانی که آرزو داشتند به جمع آنان بپیوندند - بود. اما باز هم هیچ مؤسسه‌ای وجود نداشت که در آن اساتید و دانشجویان مطابق با یک برنامه آموزشی کار کنند، با این هدف که مدارک خاصی را تهیه کنند و این مدارک، در مقابل، دریافت‌کنندگان آن‌ها را واجد شرایطی کنند که بتوانند براساس آن‌ها شغل‌های مشخصی را به عهده بگیرند. محتوای آموزش رومی مشتمل بر سنت کلاسیک یونانیان و رومیان بود که متشکل از بسیاری از اندیشمندان و هنرمندان فوق‌العاده شگفت‌انگیز در زمینه‌های مختلف بود، من جمله نمایشنامه‌نویسان، شاعران، دانشمندان، فیلسوفان، مورخان و غیره.

1. Cicero

2. Virgil

3. Augustine

4. Hippo

اما در زمان مرگ آگوستین در سال ۴۳۰م، امپراتوری لاتینی غربی بیش از پیش در حال فاصله گرفتن از امپراتوری شرقی یونانی بود. مهاجمان آلمانی زبان به سمت کشورهای بالکان در جنوب رود دانوب پایین آمدند و به هجوم خود به ایتالیا، فرانسه جنوبی و اسپانیا ادامه دادند. سپس از تنگه جبل الطارق عبور کردند و وارد قلمرو رومیان در شمال آفریقا شدند. زمانی که آگوستین در هیپو فوت کرد، خرابکاران آلمانی<sup>۱</sup> در الجزایر جدید در حال محاصره شهر او بودند.

همزمان با مرگ آگوستین، امپراتوری روم به طور رسمی مسیحی بود و متفکران مسیحی، مثل آگوستین، برای مدتی باید به این سؤال مهم پاسخ می دادند که کلیسای مسیحی چگونه باید با فرهنگ غیرمسیحی<sup>۲</sup> یونانی و رومی ارتباط برقرار کند. آیا باید به خاطر خدایان غیرمسیحی و اخلاقیات سست، آن را رد می کردند؟ آیا این امکان وجود داشت که باورمندان مسیحی به نحوی آن را اقتباس کنند؟ آیا مسیحیان باید نویسندگان غیرمسیحی را نادیده می گرفتند و تماماً به کتاب مقدس و مفسرین مسیحی آن اتکا می کردند؟ خوشبختانه، متفکران مسیحی، هم در شرق یونانی و هم در غرب لاتین، به دنبال یافتن راهی برای آشتی دادن این دو بودند. آگوستین این گونه استدلال می کرد که وقتی موزها<sup>۳</sup> یهودیان باستانی را به بیرون مصر راهنمایی کردند، آن چه را که ایشان برای سفر خود به سرزمین موعود نیاز داشتند از مصریان به تاراج بردند. بنابراین، آگوستین به مسیحیان زمان خود می گفت آن چه را که برای سفرشان به فرهنگ جدید مسیحی نیاز دارند از فرهنگ غیرمسیحی بگیرند. آمبروس قدیس<sup>۴</sup> (متوفی ۳۹۷م)، اسقف شهر میلان و دوست و مربی آگوستین، و جروم قدیس<sup>۵</sup> (متوفی ۴۲۰م)، معاصر کمتر شورمند وی، نیز دیدگاه مشابهی را اتخاذ کردند.

1. The German Vandals

2. Pagan

4. St. Ambrose

5. St. Jerome

۳. Moses: خدایان موسیقی و هنر

تحصیلات جروم در فضای کلاسیک غیرمسیحی به بحران عقیدتی او انجامید، اما هنوز به او این اجازه را می‌داد که کتاب مقدس را از زبان عبری و یونانی به زبان لاتین زمان خودش ترجمه کند. در زمان جروم، کتاب مقدس از جایگاه اصلی برای همه مسیحیان برخوردار بود و از این رو، سواد پیش‌نیاز لازم حداقلی برای رهبران مسیحی شد، صرف‌نظر از این که چقدر استانداردهای آموزشی عمومی در درون امپراتوری ضعیف شد. کتاب مقدس لاتینی جروم به نام ولگاته<sup>۱</sup>، به همراه آثار آگوستین، آمبروس و بسیاری از نویسندگان رومی دیگر، هم مسیحی و هم غیرمسیحی، مبنای آموزش در قرون بعدی را فراهم آوردند.

برای فهم [آثار] نویسندگان غیرمسیحی و مسیحی، مردم به برخی آموزش‌های ابتدایی نیاز داشتند و دیگر نویسندگان لاتین آن پایه و مبنا را فراهم کردند. دوناتوس<sup>۲</sup> (متوفی ۳۵۰م)، لاکتانوس<sup>۳</sup> (متوفی ۳۱۰م)، مارتیانوس کاپلوس<sup>۴</sup> (متوفی ۴۲۰م)، بوئتیوس<sup>۵</sup> (متوفی ۵۲۴م)، کاسیودوروس<sup>۶</sup> (متوفی حدود ۵۸۵م) و دیگران آثاری نوشتند که به مبنایی برای افراد در دوران قرون وسطی، به‌ویژه برای راهبان و دیگر روحانیون، تبدیل شدند. دوناتوس، که معلم خصوصی جروم بود، کتاب هنر گرامر<sup>۷</sup> را نوشت که راه خود را به بسیاری از کتابخانه‌های اروپایی، ابتدا در قالب نسخه خطی و بعد به صورت چاپی، پیدا کرد. او ابزارهای دستور زبانی برای خواندن، نوشتن و فهم زبان لاتین را فراهم نمود.

بوئتیوس حدود سال ۴۸۰م در یک خانواده مهم در ایتالای شمالی متولد شد. فاتحان آلمانی آخرین امپراتور رومی در ایتالیا را عزل کرده بودند و تنها امپراتور رومی یونانی در قسطنطنیه را رها کردند. بوئتیوس سمت‌های بالایی در

- 
1. Vulgate
  2. Donatus
  3. Lactantius
  4. Martianus Capellus
  5. Boethius
  6. Cassiodorus
  7. Ars grammatica

پادشاهی آلمان کسب کرد، اما تئودوریک<sup>۱</sup>، پادشاه استروگوت‌ها<sup>۲</sup>، نسبت به او دچار سوءظن شد که با پادشاه یونانی همدست است و می‌خواهد علیه او توطئه کند. به همین سبب او را زندانی و سرانجام اعدام کرد.

بوئتیوس تشخیص داده بود که در آن زمان دانش حاصل از تفکر یونانی در حال محو شدن بود و لذا با اشتیاق تمام به حفاظت از آن پرداخت. او رساله‌هایی به زبان لاتین نوشت و به ترجمه مطالب و موضوعات بسیاری پرداخت که از همه مهم‌تر درآمد خواندنی‌اش بر فلسفه یونان یعنی کتاب تسلائی فلسفه<sup>۳</sup> بود که آن را در زندان نوشت. همچنین ترجمه‌هایی از آثار ارسطو در زمینه منطق انجام داد. کتاب تسلائی فلسفه گفت‌وگویی بود میان بوئتیوس و «فلسفه»، به‌عنوان بانویی که او را در زندان ملاقات می‌کرد. هر دوی آن‌ها معنای زندگی را به‌جای چشم‌انداز مسیحی از چشم‌اندازهای یونانی مورد بحث و بررسی قرار می‌دادند. این کتاب پرفروش‌ترین کتاب در سراسر قرون وسطی و پس از آن شد که ابتدا در قالب نسخه خطی و بعد چاپی منتشر شد.

کاسیودروس با روحیه‌ای مشابه مشتاق بود به حفاظت از بهترین تمدن یونانی - رومی، به‌خصوص سنت هنرهای لیبرال هفت‌گانه آن، پیردازد: دستور زبان، خطابه، منطق، علم حساب، هندسه، هیئت (نجوم) و موسیقی. وی در صومعه‌ای که تأسیس کرد به راهبان یاد می‌داد که از متون دست‌نوشته به‌منظور توزیع و پخش آن‌ها نسخه برداری کنند. بسیاری از صومعه‌های دیگر طی قرون بعدی به تقلید از راهبرد او پرداختند.

یکی دیگر از سنگ‌بناهای مهم برای دانشگاه‌ها از منطقه‌ای کاملاً متفاوت، یعنی قسطنطنیه، به دستور جاستینیان<sup>۴</sup> (متوفی ۵۶۵م)، پادشاه بیزانس، پدیدار شد. موضوع مطالعه قانون بود. زمانی که جاستینیان تصمیم گرفت تجربیات قانونی

1. Theodoric

2. Ostrogoth King

3. The Consolations of Philosophy

4. Justinian

تمدن رومی را با هم ترکیب کند، سال‌ها بود از توسعه دولت رومی می‌گذشت. طی آن قرون، اصول قانونی پایه و کاربست آن‌ها توسعه پیدا می‌کردند و دستخوش بازنگری‌های مکرر می‌شدند. قضات قبلی دانش خود را در نوشته‌هایشان به ودیعه نهادند، امپراتوران قوانین خود را به آن افزودند، و حقوق‌دانان<sup>۱</sup> تفسیرهای علمی درباره سیر تطور قانون رومی نگاشتند. جاستینیان به هیئتی از کارشناسان دستور داد همه این مطالب را در قالب یک مجموعه مرکب از قانون رومی گردآوری و ترکیب کنند که ماحصل آن *Corpus Iuris Civilis*، یعنی پیکره قانون تمدنی، نامیده می‌شود که به منبعی بسیار ارزشمند برای اروپا و کل دنیا تبدیل شد.

فهرست نویسندگان یونانی و لاتین که نقش برجسته و مهمی در تاریخ دانشگاه‌ها ایفا کردند، و همه آن‌ها در توسعه دانشگاه اروپایی نقش داشتند، بسیار طولانی‌تر از آن چیزی است که در این مقدمه کوتاه به آن اشاره شد.

رو به ضعف نهادن امپراتوری روم پیش از هجوم آلمانی‌ها آغاز شده بود و پس از آن نیز ادامه یافت. جمعیت غرب در حال کم شدن بود، بازار تجارت از رونق افتاده بود، شهرها در حال کوچک شدن بودند، و همبستگی دولتی در غرب در حال سست شدن بود. دولت شهرها و زمین‌داران ثروتمند در سراسر غرب تلاش می‌کردند خدماتی را که دولت امپراتوری دیگر نمی‌توانست فراهم کند ارائه دهند. پیروان حضرت محمد (ص) (متوفی ۶۳۲م) بعدتر بخش‌های وسیعی از قلمرو امپراتوری روم شامل کل سواحل شرقی، جنوبی و غربی دریای مدیترانه - که رومی‌ها قبلاً آن را به‌عنوان *mare nostrum*، یعنی «دریای ما»، در نظر می‌گرفتند - فتح کردند. پس از گذشت صد سال از درگذشت حضرت محمد (ص)، تقسیمات سه‌گانه امپراتوری کهن شکل گرفت؛ تقسیم‌بندی‌ای که به‌صورتی واحد تا زمان حال ثابت مانده است: منطقه مسیحی لاتین، منطقه مسیحی یونانی در شمال غرب که تحت حکومت بیزانس بود، و بخش وسیع باقیمانده عربی و مسلمان که نواحی

باقیمانده در جنوب دو منطقه دیگر را شامل می‌شد. در همان زمان، دو منطقه مسیحی، یعنی غرب لاتین و شرق یونانی، از یکدیگر فاصله بیشتری می‌گرفتند. امپراتوری روم حدود سال ۴۰۰م به‌طور رسمی مسیحی شده بود. به‌علاوه، ایمان جدید مسیحی نهادهای جدیدی را معرفی کرد. نظام سازمان‌یافته کلیسا وجود داشت که از ساختار امپراتوری روم تقلید می‌کرد؛ به این صورت که اسقف‌ها، علاوه بر مسئولیت‌های دینی - مذهبی، مسئولیت‌های سیاسی را هم در شهرهای اصلی بر عهده گرفتند. مسئولیت ذکر مناجات‌نامه‌های رسمی به زبان لاتین و یونانی با اسقف‌ها بود. آن‌ها انجیل<sup>۱</sup> [یوحنا] را، که به‌زودی دیگر تنها به زبان لاتین در دسترس بود، در مواظ خود قرائت می‌کردند و برای انجام کار خود به فرمانبرداران، کشیش‌ها و دیگر صاحب‌منصبان متکی بودند. سواد بسیار اساسی [و لازم] بود و باسواد بودن دست‌کم مستلزم آموزش مقدماتی بود که در شهرها یا توسط خود اسقف‌ها انجام می‌شد. در بیرون شهرها، زمین‌داران ثروتمند نیز برای حفاظت از زمین‌هایشان و دهقانانی که روی زمین‌ها کار می‌کردند، به منابع خود متکی بودند.

در این وضعیت، نوع کاملاً جدیدی از نهاد، یعنی دیرنشینی، نقش غیرمنتظره‌ای را در غرب لاتین به عهده گرفت. دیرها در آغاز مکان‌هایی برای گوشه‌گیری از جامعه بودند که راهبان در آن‌جا می‌توانستند در طول روز به عبادت و کار بپردازند. اما از آن‌جا که کتاب مقدس و مقررات خانقاهی - که مرسوم‌ترین آن‌ها مقررات بندیکت قدیس<sup>۲</sup> (متوفی حدود ۵۴۷م) بود - نحوه زندگی در دیرها را مشخص می‌کردند، لازم بود دست‌کم بعضی از راهبان باسواد باشند. دیرها که در ابتدا به‌عنوان راهی برای دوری جستن از دنیا در نظر گرفته می‌شدند، در سراسر اروپا به مراکزی فرهنگی تبدیل شدند. راهبان می‌توانستند در زمینه زراعت و صنعتگری مهارت کسب کنند و راهبان باسواد می‌توانستند به افراد خارج از دیر - [برای

1. The Gospel

2. St. Benedict



مثال] کشیشان و گاه مردم عامی - زبان لاتین آموزش دهند. دیرها، همچنین، برای مطالعات خودشان به جست‌وجو و تبادل منابع می‌پرداختند. آن‌ها هم از [آثار] نویسندگان مسیحی و هم از [آثار] نویسندگان لاتین غیرمسیحی محافظت و نسخه‌برداری می‌کردند، حتی زمانی که قادر نبودند همیشه آن‌ها را بفهمند. دیرها کتاب‌ها را به دیگران امانت می‌دادند تا بتوانند از آن‌ها نسخه‌برداری کنند.

در حدفاصل سده‌های ۵۰۰ و ۱۰۰۰م، فرهنگ اروپا در سطح بسیار نازلی قرار داشت. برخی از دیکتاتورهای آلمانی، مانند شارلمانی<sup>۱</sup> (متوفی ۸۱۴م)، به دنبال احیای امپراتوری روم با همه سرزندگی آن بودند و به ترمیم و احیای «صلح و آرامش رومی» (Pax Romana) و تأسیس مدارس می‌پرداختند که سطح فرهنگی مسیحیان را در اروپا ارتقا دهد امیدوار بودند. اما با وجود جمعیت کم، ایده‌های سیاسی باستانی و هجوم پیوسته دشمنان - [از جمله] اهالی اسکاندیناوی، مجارها و مسلمانان - اروپا نمی‌توانست از آن تلاش‌ها حمایت کند و آن‌ها را توسعه دهد. ارزش کتابخانه‌های دیرها تنها زمانی به‌طور کامل درک شد که اروپا نشاط تازه‌ای را در سال ۱۰۰۰م تجربه کرد.

---

1. Charlemagne